

زبان متن در دیالکتیک فلسفه روش، فلسفه اصول
گروه مطالعات نظری مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)

چکیده

نظریه تفسیر پیشرفت‌شناخت و در ادبیات اصیل‌تر، نظریه و مکتب تفسیر هدایت به رشد قرآنی، در دوره گذار از فلسفه روش به فلسفه اصول، در برهه ویرایش ساختاری است. در میانه مثلث متافیزیک فهم تفسیری، دادوستد و دیالکتیک میان معرفت، روش و متن برقرار است و اینک و در این برهه ظهور خودآگاه خواهانی مدرنیته درون‌زای جهان معاصر مسلمان، فلسفه اصول استنباط، با ساحات استنتاج و استطباق نیز گره خورده است و در چشم‌انداز فلسفه روش قرار گرفته است. اینک و در عصر پسا شهید صدری، با گذار از منطق استنتاج پیشنهادی آن ارجمند پیشاهنگ، فصل مباحث الفاظ در فلسفه اصول در آستانه این ویرایش روش در روش است. مباحث الفاظ در این چشم‌انداز، در سه ویرایش هنرشناخت، نشانه‌شناخت و زبان‌شناخت قرار می‌گیرد. هنگامی که زبان، فلسفه می‌گیرد، نشانه می‌شود و هنگامی که نشانه، مفصل میان موقعیت و زیست مخاطب می‌شود، تجربه هنری اتفاق می‌افتد، آن هم نه برای مؤلف و خالق اثر، بلکه برای مخاطب اثر و هنگامی که همه این سه سطح ویرایشی با مقصد هدایت به رشد پیوند می‌خورند، هویت فلسفه اصولی، مطمح‌نظر حوزه فلسفه روش می‌شود و بدین‌سان، منظومه مفاهیم متن مقدس تا سطح هر جزء سیستم این منظومه، دیالکتیک روبه‌رشد نظر و عمل را در منظر مخاطب قرار می‌دهد.

دلیل لفظی در ساحت فلسفه روش با حجم انبوهی از مباحثات و نظریه‌ها در ویرایش‌های گوناگونی، اینک ظرفیت اصلی انواع نظریه‌های هرمنوتیک است که فرازی از آن، مناسبات مؤلف - مخاطب بر سر متن است تا این‌ها، طرح‌های نظری مسئله تحقیق را پیش روی حوزه فلسفه اصول بنهند تا آنگاه در فرایند تفسیر متن، حیث درون‌زای اصولی بیابد.

واژگان کلیدی: تفسیر، فلسفه روش، فلسفه اصول، تفسیر پیشرفت‌شناخت، هرمنوتیک.